



انتخابات انجمن منتقدان برگزار شد

جلسه مجمع عمومی و انتخابات انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی ایران، روز ششمشنبه ۱۳ آبان‌ماه ۱۴۰۴ با حضور اکثریت اعضا در خانه سینما برگزار شد. در این جلسه؛ محسن بیگ‌آقا به‌عنوان رئیس، مهیار جوادی فر نایب‌رئیس و ناصر سهرابی‌منشی، محمدامیر جلالی و عدنان شاه‌طالایی به‌عنوان ناظر هیئت‌رئیس‌ه معرفی شدند تا گزارش هیئت‌مدیره را بررسی کنند. سپس جعفر گودرزی، ذبیح رحمانی و رضا صائمی، گزارش عملکرد دوسال اخیر انجمن را ارائه دادند و اعضا با رأی خود، اختیار تعیین مبلغ حق عضویت را به هیئت‌مدیره تفویض کردند. در ادامه نامزدهای هیئت‌مدیره و بازرس، برنامه‌ها و پیشنهادات خود را ارائه کردند و پس از رأی‌گیری؛ جعفر گودرزی، کامران ملکی، محمدرضا لطفی، ذبیح‌الله رحمانی و رضا صائمی به‌عنوان اعضای اصلی و بهمن عبدالهی و نغمه دانش‌آشتیانی به‌عنوان اعضای علی‌البدل انتخاب‌شدند. مهیار جوادی فر به‌عنوان بازرس و شبنم میرزین‌العابدین به‌عنوان بازرس علی‌البدل برگزیده شدند.



برنده جایزه «سروانتس» معرفی شد

وزارت فرهنگ اسپانیای اعلام کرد که گونسالو سلوریو، رمان‌نویس برجسته مکزیکی، برنده جایزه معتبر «میگل د سروانتس» ۲۰۲۵ شده است. هیئت‌داوران آثار او را ترکیبی از «خرد انتقادی و حساسیت‌روایی در کاوش هویت و فقدان» دانستند و او را «آینه‌ای از وضعیت انسانی و مکزیک مدرن» توصیف کردند. این جایزه که ارزش آن ۱۲۵ هزار یورو است، روز ۲۳ آوریل ۲۰۲۶ در دانشگاه آلکالا و با حضور پادشاه و ملکه اسپانیای اهدا خواهد شد؛ تاریخی که با سالروز خاکسپاری نویسنده «دن کیشوت»، میگل د سروانتس هم‌زمان است. سلوریو، متولد ۱۹۴۸ در مکزیکوستانی، استاد پیشین دانشگاه ملی مکزیک و مدیر آکادمی زبان مکزیک است. او هفتمین نویسنده مکزیکی است که این جایزه را دریافت می‌کند. از آثار برجسته‌اش می‌توان به: «عشق به خویشتن»، «زمین در ژرفای خود بلرز» و «سه بانوی زیبای کوبایی» اشاره کرد. سلوریو دریافت این جایزه را «تاییدی بر عشق‌اش به زبان اسپانیایی و میراث سروانتس» دانست.



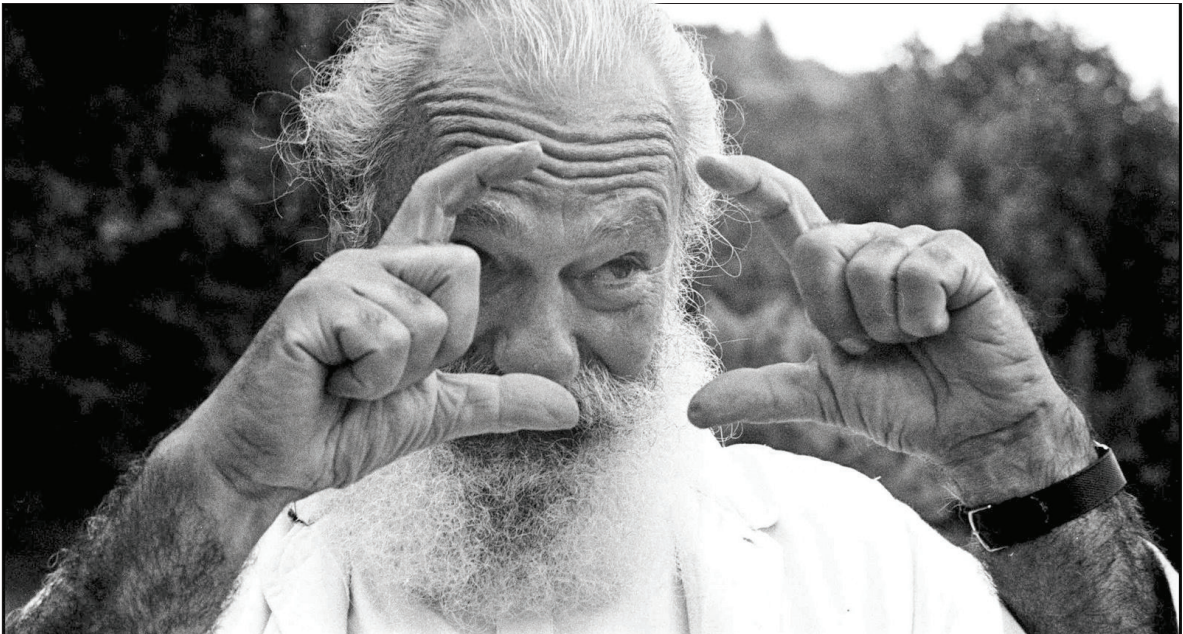
برگزاری نمایشگاه هنر ۵۰ساله بهرام دبیری

در موزه هنرهای معاصر تهران، نمایشگاه «به آینده سپرده شد» برگزار خواهد شد تا ۵۰سال فعالیت هنری بهرام دبیری را مرور کند. این رویداد هم‌زمان با اهدای مجموعه‌ای از آثار این هنرمند به گنجینه موزه برنامه‌ریزی شده است. در نمایشگاه، بیش از ۶۵ اثر از دوره‌های مختلف کاری دبیری ارائه می‌شود که مضامینی مانند اسطوره، عشق و خشونت را دربرمی‌گیرد. آثار انتخاب‌شده، ترکیبی از اهدایی‌ها و آثار موجود در گنجینه هستند و در قالب روایتی از تداوم، تغییر و جست‌وجوی زیبایی سامان یافته‌اند. این نمایشگاه زبان تصویری یکی از چهره‌های شاخص نقاشی معاصر ایران را بازخوانی کرده و گفت‌وگویی میان گذشته و آینده هنر معاصر شکل می‌دهد. نمایشگاه «به آینده سپرده شد»، از ۱۹ آبان‌ماه تا ۲۵ آذرماه ۱۴۰۴ در موزه هنرهای معاصر تهران برگزار خواهد شد. این رویداد فرصتی است برای بازدیدکنندگان تا با مسیر هنری دبیری و تأثیر او بر هنر معاصر ایران آشنا شوند.

فرهنگ

CULTURE

۱۴



کمونیستی که معنوی شد

شرحی از زندگی وزمانه **تیتسیانو ترتسانی** که از انقلاب سیاسی به انقلاب درونی رسید

معرفی کتاب

بیانی که آغاز من است

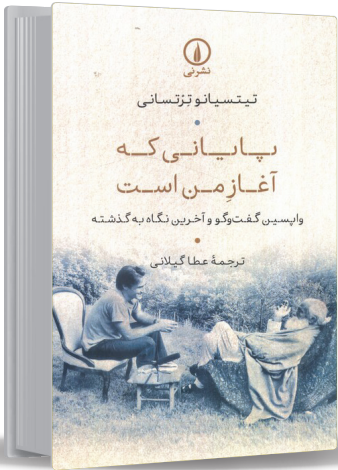
نویسنده: تیتسیانو

ترتسانی

مترجم: عطا گیلانی

انتشارات: نی

قیمت: ۴۶۰ هزار تومان



راسخ دست‌به‌دست هم دادند تا آن نوجوان نوجو، دو، سه ده بعد سر از شرق آسیا درآورد و به خبرنگار نشریه اشپیگل آلمان در ویتنام، چین و کامبوج بدل شود تا یکی از معدود خبرنگاران غربی باشد که شاهد سقوط سایگون به‌دست ویت‌کنگ‌ها و سقوط پنومپن به‌دست خمرهای سرخ در اواسط دهه ۱۹۷۰ باشد. به‌ماند که خودش می‌گفت، هنگامی که مسلمانان آسیای مرکز نشین، مجسمه‌لنین را اله‌اکبر گویان بر زمین می‌انداختند، جز او خبرنگاری آن لحظات را ثبت نمی‌کرد. در این مسیر البته کم سختی ندید و حتی گاهی راه‌هایی سراسر متفاوت را گذراند. نخست رفت سراغ خواندن حقوق. بعد از آن، چندسسال شد مدیرفروش شرکت بزرگی بهنام اولیوتی.



فرزاد نعمتی
خبرنگار گروه فرهنگ

تیتسیانو ترتسانی (۱۹۳۸-۲۰۰۴) روزنامه‌نگار و نویسنده ایتالیایی را باید از جمله موثرترین خبرنگاران سیاسی قرن بیستم دانست؛ روزنامه‌نگاری که کمتر لحظه‌ای آرام‌و قرار داشت و نه‌فقط در شغل‌اش که در زیست شخصی‌اش نیز، کنج‌کاوی مواجهه با نادیده‌ها، ناشنیده‌ها، شهامت حضور در میدان‌نبرد و مشاهده مستقیم فجایع جنگی، اصلی همیشه برقرار بود. کتاب «بیانی که آغاز من است» مشتمل بر گفت‌وگوی بلند تیتسیانو با فرزندش فولکو است؛ آن هم در شرایطی که همه‌می‌داند سرطان و مرگ به‌زودی خبرنگار کهنه‌کار را از این دنیا خواهد برد. او در روزهای آخر عمرش، فرزندش را فرا می‌خواند تا با او از بالا و پایین زندگی و پایان زیبای آن سخن بگوید: «چه می‌شد اگر من و تو هر روز یک ساعت می‌نشستیم و تو چیزهایی را که همیشه می‌خواستستی از من بپرسی، از من می‌پرسیدی و من آزادانه در مورد هر چیزی که برابم مهم است، از داستان خانواده‌ام گرفته تا سفر بزرگ زندگی، صحبت می‌کردم؟»

▼ کار نو روزنامه‌نگاری است، نه مدیریت فروش

تیتسیانو در خانواده‌ای فقیر و کارگری در فلورانس ایتالیا به دنیا آمد اما تجربه‌های تلخی که از فقر خانواده چشید، او را مصمم کرد که از محیط کوچک زندگی در محله‌ای کارگزین‌نشین بیرون برزد و دنیایی بزرگ‌تر را تجربه کند. اسم‌اش را هر چه بخواهید بگذارید؛ چه شانس و تصادف، چه بخت و اقبال، اما خیلی چیزها و البته عزمی

علمیه فراموشی

مروری بر کتاب «نگذار ببرندم، شارو» که در آن تاریخ، هنر و هویت به هم گره می‌خورند

معرفی کتاب

نگذار ببرندم، شارو

نویسنده: زارا امیدی

مترجم: فرهنگ رجایی

انتشارات: چشمه

قیمت: ۴۲۰ هزار تومان



نیلوفر نادری
روزنامه‌نگار

کتاب «نگذار ببرندم، شارو»، نوشته زارا امیدی، یک داستانی است که در آن، دو نسل از بازماندگان یک فاجعه تاریخی با یکدیگر مواجه می‌شوند و نتیجه این مواجهه، ایجاد پرسش‌هایی است که همچون زخم‌های کهنه‌ای سر باز می‌کنند. این اثر به‌طور ماهرانه‌ای از ترکیب گزارش‌های مستند و روایت‌های شاعرانه برای خلق داستانی پیچیده و احساسی استفاده می‌کند که در آن تاریخ، هنر و هویت به‌هم گره می‌خورند و روایتی عمیق از عواطف و روابط انسانی را در میان یک نسل کشی ارائه می‌دهد؛ روایتی که داستان شجاعت انسان و درعین‌حال شرات‌اوست.

▼ شارو؛ نقاش تاریخ

شخصیت اصلی این رمان، شارو، نقاش گردی است که از

کتاب پنجشنبه



هیچ‌کدام از این کارها رضایت‌اش را جلب نمی‌کرد. وسط همه این کارها البته عاشق هم شد و با دختری آلمانی از خانواده‌ای محترم و متنعم ازدواج کرد. همین آنجلای جوان هم بود که روزی او را به خود آورد: «چرا دست از این کار نمی‌کشی؟ چرا استغفانی دهی؟ تو مگر همیشه نمی‌خواستی خبرنگار و نویسنده باشی، چرا نمی‌روی سراغ کار خودت؟»

▼ آمریکایی‌های نژادپرست

جدا از توصیه‌های همسر، او باز به‌طرزی اتفاقی در دانشگاه جان‌هایکینز بولونیا و در حالی که قرار بود در سمینار مدیران اروپایی و آمریکایی شرکت کند تا مدبری قابل برای اولیوتی پیدا کند، بورسیه دوساله تحصیل در آمریکا را در دست‌اش دید. ماجرا آن بود که تیتسیانو از کودکی گرایش‌های عدالت‌خواهانه پیدا کرد، در جوانی نیز انگاره‌های دست‌چپی سوسیالیستی و طرفدار عدالت اجتماعی در ذهن‌اش وول می‌خورد، بنابراین در آن سمینار نتوانسته بود در مقام یک مدیر منابع انسانی محترم حفظ ظاهر کند. بر خاسته بود و در سخنرانی آتشینی مطلوبیت ویتنامی‌ها و جنایات آمریکا را محکوم کرده بود. این رفتار، واکنش یکی از مدیران بنیاد هارکنس را در پی داشته بود. به او گفته بود، چرا اینقدر با کینه از آمریکا حرف می‌زنید؟ جواب شنیده بود: «شاید چون آنجا را نمی‌شناسم. تا به‌حال آنجا نبوده‌ام.» او نیز به این جوان ضدآمریکایی پیشنهاد بورسیه را داده بود. این البته پروژه‌ای بود که بنیاد هارکنس طی آن برخی از جوانان اروپایی را به آمریکا دعوت می‌کرد تا، هم با فرهنگ آمریکا آشنا شوند، هم ذهنیت مناسبی درباره این کشور پیدا کنند و بعدتر بتوان از وجودشان بهره برد. بورسیه بنیاد هم برای تیتسیانو بسیار جذاب بود و به‌سرع‌ت آن را پذیرفت. فرمول بنیاد اما در این زمینه غلط از آب درآمد، چون او بعدتر و تا دم‌مرگ نیز نگاه مثبتی به آمریکا نداشت: «آمریکا سرزمینی است عمیقاً نژادپرست، به‌دور از عدالت و لبریز از تبعیض». از نظر او: «بیماری مزمنی که آمریکایی‌ها از آن رنج می‌برند این است: خود را خلق برگزیده خداوند می‌دانند و برای پیشبرد اهداف‌شان به هر کاری مجازند». بدون تردید آنچه نیز در ویتنام دیده بود، در شکل‌گیری چنین تصویر تاریکی‌بی‌تأثیر نبود: «چطور ممکن است انسانی که در سینه قلبی دارد، در چنین جنگی جانب آمریکایی‌ها را بگیرد؟ آخر آنها در آنجا چه کار داشتند؟»

▼ رسالت استقلال قلم از قدرت

با همه این نقدهای بنیادین به آمریکا، تیتسیانو نمی‌توانست آزادی رسانه‌ها را در آن سرزمین انکار کند: «زیبایی کار روزنامه‌نگاران در آمریکا این است که هر چه بخواهند به شیواترین شیوه می‌نویسند و لازم نیست از کسی بترسند یا تعارف کنند. این ویژگی با خصیصه آثارش نیستی من جفت‌وجور بود.» همین روحیه آثارش نیستی هم بود که اصل خدشه‌ناپذیر استقلال قلم از قدرت را راه‌نمای عمل او قرار می‌داد. قدرت حقیقی روزنامه‌نگاری را در این می‌دانست: «این احساس که پی‌بردن به حقیقت و نوشتن در باره آن حق توست». چنین حس را منشأ نیرویی قدرتمند قلمداد می‌کرد که باعث می‌شد، روزنامه‌نگار در مقابل هیچ‌کس سر خم نکند. به قول خودش: «حتی در کشوری چون چین که آزادی روزنامه‌نگاری به سخره گرفته می‌شد، من می‌گفتم: «شما کار خود را انجام می‌دهید و من خبر خودم را درباره آن می‌نویسم!». در این زمینه روزنامه‌نگاری چون ادگار اسنو منبع الهام‌اش بود.

▼ مسحور چین

وقتی تظاهرات علیه جنگ ویتنام در خیابان‌های آمریکا جریان داشت، تیتسیانو البته در کتابخانه دانشگاه کلمبیا در نیویورک، روی کتاب‌های چینی قوز کرده بود و مسحور جادویی بود که از

اما روایت فقط محدود به شارو نیست. در کنار او، داستان آسکی، دختری که از نسل کشی کردها جان به‌در برده و اکنون به‌دنبال هویت گمشده‌اش است نیز پیش می‌رود. آسکی که در کودکی از مادرش جدا و فروخته شده، خودش را در میان نقاشی‌های شارو جست‌وجو می‌کند. نکته برجسته‌ای که در این رمان وجود دارد، تضاد میان دو روایت است: روایت شارو که از طریق نقاشی‌هایش تاریخ شخصی و جمعی خود را بازسازی می‌کند و روایت آسکی که از طریق همان نقاشی‌ها در جست‌وجوی هویت گمشده‌اش است. شارو درواقع به‌عنوان یک نقاش با تاریخ زندگی می‌کند و از آن بهره می‌برد، در حالی که آسکی به‌عنوان یک زن، در میان لایه‌های تاریخ و هنر، به جست‌وجوی خود می‌پردازد. این دوشخصیت در کنار هم، تجسمی از دو نسل مختلف هستند که با هم مواجه می‌شوند، اما درعین‌حال هرکدام داستان‌های متفاوت و تجربه‌های گوناگونی دارند.

زارا امیدی، نویسنده این اثر، با انتخاب شخصیت شارو به‌عنوان راوی اصلی، تصمیمی جسورانه گرفته است. او در مصاحبه‌ای با اشاره به این موضوع گفته است که انتخاب راوی مرد، برای او تصمیمی ضروری بود. شارو با آن گذشته زخمی و آن سکوت مردانه، صدای خاصی دارد که در تاریخ کم‌شده است. این سکوت نه‌فقط در شخصیت شارو، بلکه در هنر نقاشی او نیز بازتابی می‌شود. نویسنده به‌واسطه شارو نشان می‌دهد که چگونه تاریخ و هنر می‌توانند در کنار هم نقش آفرینی کنند و تاریخ را روی روایت‌های رسمی به تصویر بکشند. هر نقاشی برای شارو قدمی به‌سمت حقیقت و تلاشی برای مقابله با فراموشی است.

▼ مواجهه با نسل‌های از دست رفته

این رمان علاوه بر جست‌وجوی هویت‌های فردی، به تأثیرات

فاجعه‌نسل کشی کردهای عراق جان به‌در برده و اکنون در تبعیدی خودخواسته در سوئد زندگی می‌کند. او که در گذشته شاهد بسیاری از فجایع انسانی بوده، حالا در تلاش است تا با استفاده از هنر نقاشی، رنج‌های گذشته را به یاد بیاورد. شارو با هر نقاشی‌ای که می‌کشد، نه‌فقط هویت گم‌شده خود، بلکه تاریخ گم‌شده یک ملت را بازسازی کند و نقاشی‌برایش ابزاری برای شکستن سکوت و مبارزه با فراموشی است. نقاشی‌های او درواقع گواهی هستند علیه تحریف تاریخ و از یاد رفتن نام‌ها و چهره‌های مردگان. در دنیای شارو، هر بوم نقاشی یک داستان است، یک تاریخ گمشده و یک حقیقت پنهان که باید آشکار شود.